

سبک‌های تفکر و بی‌طرفی حسابرس

صدیقه پیکرنگار قلعه‌رودخانی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
s.peikarnegar@gmail.com

بهمن بنی‌مه‌د

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران (نویسنده مسئول)
Dr.banimahd@gmail.com

سینا خردیار

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، گیلان، ایران
sinakheradyar@gmail.com

حمیدرضا وکیلی‌فرد

دانشیار گروه مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
h-vakilifard@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۶

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه‌ی سبک‌های تفکر و بی‌طرفی حسابرسان است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل تمامی حسابرسان شاغل در موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی می‌باشد. به منظور سنجش متغیر سبک‌های تفکر از پرسش‌نامه استرنبرگ^۱ (۱۹۹۱) و جهت سنجش بی‌طرفی حسابرس از پرسش‌نامه ونبرگ^۲ و اوهمن^۳ (۲۰۱۷)، استفاده گردید. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدل معادلات ساختاری بهره گرفته شده است. نتایج نشان داد که فرضیه اصلی پژوهش در خصوص رابطه مثبت و معنادار بین سبک‌های تفکر و بی‌طرفی حسابرس مورد تأیید می‌باشد. هم‌چنین از بین سبک‌های تفکر، سبک‌های تفکر اجرایی، جزئی‌نگر، درون‌نگر، برون‌نگر، آزاداندیش و محافظه‌کار با بی-طرفی حسابرسان رابطه‌ی مثبت و معناداری دارند. هم‌چنین سبک‌های تفکر قانون‌گذارانه، قضاوت‌گر، تک‌سالاری، سلسله‌مراتبی، جرگه سالار، بی‌قانونی و کلی‌نگر با بی‌طرفی حسابرسان رابطه معناداری ندارند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های تفکر، بی‌طرفی حسابرسان، قضاوت حرفه‌ای.

۱- مقدمه

حرفه حسابرسی شباهت زیادی به قضاوت در دادگاه‌ها دارد. قاضی و حسابرس با ادعاهایی رو به رو هستند که شواهد پشتوانه ادعاها را جمع‌آوری و پردازش می‌نمایند و در نهایت بر اساس چارچوب‌هایی که در اختیار آن‌ها است تصمیم‌گیری نموده و قضاوت می‌کنند (متر و شرف، ۱۹۶۱). در واقع قضاوت و تصمیم‌گیری از عناصر اصلی حسابرسی است (سهرابی جهرمی، ۱۳۹۰). قضاوت در حسابرسی صورت‌های مالی، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، به طوری که تمام مراحل حسابرسی با قضاوت همراه است (حساس یگانه و کثیری، ۱۳۸۲). هر قدر قضاوت‌های حسابرسان بر مبنای اصول و استانداردهای حرفه‌ای و به دور از هرگونه تعصب و سوگیری انجام شود، قابلیت اتکا گزارشات حسابرسی بیشتر می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده است که با وجود استانداردهای حسابرسی واحد و لازم‌الاجرا برای همه حسابرسان، باز هم در خصوص موضوعاتی مشابه، قضاوت‌های متفاوتی از سوی حسابرسان صورت می‌پذیرد، که این تفاوت‌ها معمولاً ناشی از تفاوت در شخصیت و سبک‌های تفکر است. مک‌چی^۴ (۱۹۸۸) به این نتیجه رسید که تفاوت‌های روان‌شناختی فردی، قضاوت حرفه‌ای افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بالکر^۵، ۲۰۰۰). پردازش اطلاعات در حسابرسی امری مهم و ضروری است. حسابرسان بر اساس پردازش اطلاعات، به قضاوت و تصمیم‌گیری می‌پردازند. هر چه فرآیند ارزیابی و پردازش اطلاعات بیشتر باشد، تصمیمات و قضاوت حسابرس نیز با کیفیت‌تر خواهد بود. در این زمینه، پژوهش‌های رفتاری در حسابرسی به این نکته پرداخته‌اند که تفاوت‌های فردی حسابرس از جمله سبک تفکر می‌تواند بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان تأثیرگذار باشد (کلایتون^۶ و کیم‌برل^۷، ۲۰۰۷). در دنیای رقابتی امروز، یکی از مولفه‌های کلیدی موفقیت، آگاهی و شناخت در زمینه سبک‌های تفکر است. آشنایی با سبک‌های تفکر به افراد کمک می‌کند تا استراتژی‌های خود را در تصمیم‌گیری و حل مسئله گسترش دهند و این امر باعث کاهش تصمیمات اشتباه می‌شود (کشتکاران و همکاران، ۱۳۹۲).

استرنبرگ شیوه‌های متفاوت افراد در پردازش اطلاعات را به عنوان سبک‌های تفکر تعریف کرده است. هم‌چنین سبک‌های تفکر، چارچوب ذهنی است که به افراد کمک می‌کند تا به پردازش اطلاعات و حل مشکلات در زمینه‌های خاص بپردازند (ژانگ^۸ و استرنبرگ، ۲۰۰۶). سبک تفکر به خودی خود یک توانایی نیست بلکه به چگونگی استفاده از توانایی‌ها اشاره دارد (استرنبرگ، ۱۹۹۷). با توجه به تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناسی بر قضاوت حرفه‌ای و تصمیم‌گیری حسابرسان که

در پژوهش‌های مختلف خارجی و داخلی اثبات شده است، تاکنون تأثیر سبک‌های تفکر بر بی‌طرفی (قضاوت حرفه‌ای) حسابرس مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین در این پژوهش تلاش ما بر این است تا ارتباط بین سبک‌های تفکر و بی‌طرفی (قضاوت حرفه‌ای) حسابرس مورد بررسی قرار گیرد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲- سبک‌های تفکر^۹ و سبک شناختی^{۱۰}

مطالعات غیرحسابداری انجام شده بر روی نیاز به شناخت معمولاً چگونگی استفاده از اطلاعات توسط افرادی که نیازهای مختلف برای شناخت دارند را بررسی کرده‌اند. (بارن^{۱۱} و همکاران، ۱۹۹۴). در این مطالعات، فرد تصمیم‌گیرنده، اجازه دارد در گردآوری داده انعطاف‌پذیر باشد و در نهایت از وی انتظار می‌رود از این داده‌ها برای اتخاذ تصمیمی متناسب با بستر تصمیم‌گیری استفاده نماید. (فورد^{۱۲} و پسوارک^{۱۳}، ۲۰۱۵). به طور کلی، این مطالعات نشان می‌دهند افرادی که نیاز به شناخت بالایی دارند بیشتر درباره استدلال‌های اساسی (واقعی) فکر می‌کنند و کمتر تحت تأثیر نشانه‌های محیطی (جانبی) قرار می‌گیرند. کسانی که نیازهای شناختی کمتری دارند بیشتر تحت تأثیر نشانه‌های ساده مانند تخصص یا جذابیت منبع پیام و یا تعداد استدلال‌هایی که پیام در خود دارد، قرار می‌گیرند. (پتی^{۱۴} و کاپیوپو^{۱۵}، ۱۹۸۴). این مطالعات محدودیت‌های هزینه جمع‌آوری اطلاعات مانند منابع کمیاب و محدودیت زمان را شامل نمی‌شوند. مطالعات گذشته در خصوص تصمیمات مربوط به حسابداری، معمولاً روی سبک‌ها و توانایی‌های شناختی متمرکز شده‌اند تا نیاز به شناخت. (چنهال^{۱۶} و موریس^{۱۷}، ۱۹۹۱). سبک‌های شناختی متغیرهای صفاتی هستند (یعنی در طول زمان در یک فرد ثابت می‌مانند) و روش‌های مختلف پردازش اطلاعات توسط افراد را توصیف می‌کنند (کوگان^{۱۸}، ۱۹۷۳). از سوی دیگر، توانایی‌های شناختی مهارت‌هایی هستند که به رمزگذاری و بازیابی اطلاعات مربوط می‌شوند. توانایی‌های شناختی متغیرهایی موقعیتی هستند و در طول زندگی شخص تغییر می‌کنند. در حالی که، بعضی محققان به این پرسش پرداخته‌اند که نیاز به شناخت باید به عنوان نوعی سبک شناختی طبقه‌بندی شود یا نه. آزمون آماری هو^{۱۹} و راجرز^{۲۰} (۱۹۹۳)، که از ابزارهایی استفاده می‌کند که معمولاً برای اندازه‌گیری این ساختارها استفاده می‌شوند، نشان می‌دهد که نیاز به شناخت هم از سبک شناختی و هم از توانایی شناختی قابل تفکیک است (فورد و پسوارک، ۲۰۱۵).

استرنبرگ (۱۹۹۷) معتقد است که با به کارگیری مناسب سبک‌های تفکر در زندگی اجتماعی و یا با هماهنگ ساختن آن‌ها با توانایی‌های خود، می‌توان بر مشکلات غلبه نمود و از توانمندی‌های خود حداکثر استفاده را نمود (رضوی و شیرینی، ۱۳۸۴).

نظریه خود-مدیریتی ذهنی استرنبرگ ۱۳ سبک را در قالب ۵ بعد شامل: کنش‌ها (قانون‌گذار، اجرایی، قضاوت‌گر)، شکل‌ها (فردسالار، پایورسالار، جرگه‌سالار و ناسالار)، سطح-ها (کلی‌نگر و جزئی‌نگر)، حوزه‌ها (درون‌نگر، برون‌نگر) و گرایش-ها (آزاداندیش و محافظه‌کار) از یکدیگر متمایز می‌کند (ژانگ، ۲۰۰۸).

افرادی که دارای سبک تفکر قانون‌گذارانه (خلاق) می‌باشند تمایل دارند خود تصمیم بگیرند که چه کاری را انجام دهند. افراد با سبک اجرایی مایل‌اند از مقررات پیروی کنند و علاقه-مند به اجرای قوانین هستند و دوست دارند که به وسیله دیگران هدایت شوند. افراد دارای سبک تفکر قضایی مایل‌اند که امور را ارزشیابی نمایند. شخص فرد سالار فردی است با اراده و مصمم، این فرد به کسی اجازه نمی‌دهد که در حل مسائل او دخالت کنند. شخص پایور سالار، اهداف را به صورت سلسله مراتبی منظم کرده و نیاز به اولویت‌بندی هدف را ادراک می‌کند. افراد جرگه‌سالار بیشتر تحت تأثیر اهدافی می‌باشند که درک یکسانی از اهمیت آن‌ها دارند، آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود با این مشکل مواجه هستند که برای کدام یک از هدف‌ها باید اهمیت بیشتری قائل شوند. به همین دلیل در تخصیص منابع دچار مشکل می‌گردند. افراد ناسالار خودشان را مقید به مرزهای خاصی نمی‌کنند و دوست دارند که کارها را به ترتیبی جمع و جور کرده و به نتیجه برسانند که تصور هم برای اکثر مردم امکان‌پذیر نیست (استرنبرگ، ۲۰۰۳).

افراد دارای سبک تفکر کلی‌نگر به تصویر کلی موضوع توجه می‌کنند و بر باورهای انتزاعی متمرکز می‌شوند. در مقابل افراد با سبک تفکر جزئی‌نگر از انجام تکالیفی لذت می‌برند که اجازه کار روی ابعاد ویژه و اصلی یک موضوع و جزئیات عینی آن‌ها را بدهد. افراد با سبک تفکر درونی از انجام تکالیفی لذت می‌برند که بتوانند آن‌ها را به گونه‌ی مستقل انجام دهند. در مقابل افراد با سبک بیرونی تکالیفی را ترجیح می‌دهند که فرصت لازم برای تعامل با دیگران را به آن‌ها بدهد. افراد آزاداندیش از انجام تکالیفی لذت می‌برند که تازگی و ابهام دارد. در حالی که افراد دارای سبک محافظه‌کار متمایل به رعایت قوانین و روش‌های موجود در انجام تکالیف هستند (ژانگ، ۲۰۰۱). در کل رویکرد سبک‌های تفکر افراد بر نحوه عملکرد آن‌ها موثر است (کیم^{۲۸}، ۲۰۰۹).

چان^{۲۱} (۱۹۹۶) چارچوبی نظری را مطرح نمود که سبک، عملکرد و بازده شناختی و نیز الزامات سبکی مربوط به کار را دربر می‌گرفت. بر این اساس، او ناسازگاری شناختی را به عنوان "درجه عدم انطباق بین سبک شناختی در مورد حل مسئله و الزامات سبکی غالب مربوط به کار" تعریف کرد. چان (۱۹۹۶) با استفاده از مهندسین و تکالیف مهندسی بررسی کرد که آیا ناسازگاری شناختی به گزارش‌های بیشتر در مورد بازدهی و عملکرد شغلی پایین‌تر می‌انجامد یا نه، نتایج نشان می‌دهد که ناسازگاری شناختی به طور قابل توجهی با بازدهی ارتباط دارد اما با عملکرد نه. با این توصیف، مقیاس سنجش عملکرد چان (۱۹۹۶) دوقطبی بود. وی هشدار داد که استفاده از این مقیاس محدود، ممکن است به نتیجه ضعیف (غیرمعنادار) برای عملکرد منجر شده باشد.

بسیاری از مطالعات رابطه بین سبک شناختی و عملکرد را با استفاده از تکالیف واحد بررسی کرده‌اند (رودگرز^{۲۲} و هوسل^{۲۳}، ۱۹۸۷). بر این اساس، این مطالعات نمی‌توانند تعیین کنند که آیا سبک شناختی وابسته به این تکالیف است یا با آن‌ها تعامل دارد. مطالعاتی که از تکالیف متعدد استفاده کرده-اند نوعی اثر تعاملی (متقابل) بین روش آموزش حسابداری و سبک شناختی دانشجویان را یافته‌اند (آت^{۲۴} و همکاران، ۱۹۹۰). نوعی ارتباط بین سبک شناختی و فرآیندهای پیش از تصمیم‌گیری در سناریویی که پرداخت‌های بحث برانگیز به مقامات خارجی را شامل می‌شود (هانت^{۲۵} و همکاران، ۱۹۸۹). اما در شرایطی که تصمیم‌گیری در مورد روابط انسانی و مالی بود هیچ ارتباطی بین سبک شناختی و عملکرد مشاهده نشد. در هر یک از این مطالعات، اگر چه چنین عنوانی به کار نرفته است اما نظریه اساسی با چارچوب ناسازگاری شناختی چان (۱۹۹۶) مشابه است. به این معنا که این مطالعات موقعیتی را پیش می‌کشند که در آن زمانی که بین سبک شناختی و ویژگی‌های تکلیف مورد نظر تطابق وجود داشته باشد، عملکرد در آن تکلیف بهتر خواهد بود و زمانی که بین سبک شناختی و ویژگی‌های تکلیف مورد نظر تطابق وجود نداشته باشد عملکرد در آن تکلیف ضعیف خواهد بود (فولر^{۲۶} و کاپلان^{۲۷}، ۲۰۰۴).

سبک‌های تفکر بر نظریه خود-مدیریتی ذهنی استرنبرگ استوارند و به این نکته اشاره می‌نمایند که همان‌گونه که شیوه-های گوناگونی برای مدیریت یک جامعه وجود دارد، انسان‌ها نیز از روش‌های مختلفی برای استفاده از توانایی‌های خود بهره می‌گیرند. رابرت استرنبرگ سبک تفکر را روش رجحان‌یافته تفکر تعریف کرده است. در واقع سبک تفکر چگونگی استفاده فرد از توانایی‌هایش است و خود یک توانایی نیست (استرنبرگ، ۱۹۹۴).

۲-۲- بی طرفی حسابرس

همه‌ی حرفه‌ها، بدون در نظر گرفتن زمینه‌ی فعالیت‌شان، دارای قوانین، اصول و استانداردها و دستورالعمل‌هایی هستند که باید به منظور انجام آن شغل خاص رعایت شوند. بسیاری از کارشناسان، از جمله حسابداران و حسابرسان، تابع استانداردها، مقررات و ضابطه‌های فنی، اخلاقی و رفتاری سخت‌گیرانه هستند که در چارچوب آن‌ها برای انجام هر چه بهتر وظایف از دانش، شایستگی، مهارت و تجربه و به عبارت دیگر قضاوت حرفه‌ای خود استفاده می‌کنند. در حسابرسی، قضاوت حرفه‌ای به کارگیری آموخته‌ها، تجارب و دانش به دست آمده درباره‌ی استانداردهای حسابرسی و حسابداری و الزامات آیین رفتار حرفه‌ای برای تصمیم‌گیری‌های مناسب با توجه به شرایط کار حسابرسی است (اسدی و نعمتی، ۱۳۹۴).

پس از فروپاشی انرون، حرفه حسابرسی با انتقادهای بسیاری رو به رو بوده که این انتقادات در طول بحران‌های مالی، همچنان ادامه یافته است. یکی از اصول اخلاقی حرفه حسابرسی، بی طرفی است. امروزه بی طرفی حسابرس به طور فزاینده‌ای زیر سوال رفته است. حسابرس هنگامی بی طرف به نظر می‌رسد که فاقد جانبداری بوده، تضاد منافع نداشته باشد و در معرض نفوذ شدید دیگران نیز نباشد که باعث نادیده گرفتن قضاوت حرفه‌ای او شود. حسابرس باید از نظر مالی و فکری، مستقل از صاحب‌کار باشد. این بی طرفی و استقلال برای حرفه حسابرسی ضروری بوده و بدون آن‌ها، این حرفه هیچ هدفی را محقق نخواهد کرد (جو دوروا^{۲۹}، ۲۰۱۳).

حسابرس برای اطمینان دادن به استفاده‌کنندگان اطلاعات و پذیرش بی طرفانه بودن اظهارنظر خود، نباید هیچ‌گونه منافع مالی مستقیم یا بااهمیت غیرمستقیم در رابطه با واحد مورد رسیدگی داشته باشد بلکه باید صلاحیت‌های کافی برای اظهارنظر را کسب کند. در غیر این صورت، استفاده-کنندگان ممکن است قضاوت حسابرس را جهت‌دار تلقی کنند.

۲-۳- پیشینه پژوهش

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان جنسیت حسابرس و سبک‌های کارکردی تفکر نشان دادند که در سطوح تفکر قانون‌گذار و قضاوت‌گر تفاوت معناداری میان زنان و مردان وجود دارد اما این تفاوت در سبک اجرایی معنادار نمی‌باشد. همچنین با تجزیه و تحلیل بیشتر نتایج به تفکیک بخش دولتی و خصوصی حسابرسی به این مورد اشاره نمودند که در بخش خصوصی حسابرسی تنها در سطح تفکر قضایی تفاوت معناداری میان زنان و مردان وجود دارد اما در بخش دولتی جنسیت تنها باعث ایجاد تفاوت

معنی‌دار در سطوح قانون‌گذار و قضایی می‌شود و در سطح تفکر اجرایی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

سعیدی گراغانی و ناصری (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان تفاوت‌های فردی و قضاوت حرفه‌ای حسابرس انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که تفاوت‌های فردی حسابرسان شامل تفاوت در میزان خوش بینی، اعتماد به نفس، تجربه و تفاوت در جنسیت بر قضاوت حرفه‌ای آن‌ها مؤثر است.

نیکومرام و حیدر (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان سبک‌های تفکر و تردید حرفه‌ای در حسابرسی به این نتیجه دست یافتند که سبک تفکر قانون‌گذار بر تردید حرفه‌ای تأثیر معنی‌دار و منفی و همچنین سبک‌های تفکر اجرایی، قضاوت‌گر، درون‌نگر، برون‌نگر و آزاداندیش با تردید حرفه‌ای رابطه معنی‌دار و مثبت دارد و سبک‌های تفکر کلی‌نگر، جزئی‌نگر و محافظه‌کار با تردید حرفه‌ای رابطه معنی‌دار ندارد.

بخشایش (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که بین سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری عمیق و راهبردی با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش شکری و همکاران (۱۳۸۵) نشان داد که بین سبک‌های تفکر و رویکردهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان ارتباط وجود دارد. این ارتباط برای سبک‌های تفکر قانونی، قضایی، سلسله‌مراتبی درونی، بیرونی و رویکرد سطحی معنی‌دار شناخته شد.

فورد و پسوارک (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان تأثیرات نیاز به شناخت در نمونه‌گیری حسابرسی دریافتند که افرادی که نیاز به شناخت بالاتری دارند به منظور نمونه‌گیری حسابرسی به اطلاعات کمتری نسبت به افراد دارای نیاز به شناخت پایین‌تر احتیاج دارند.

کورتیس^{۳۰} و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر و تصمیم‌گیری پرداختند و نتایج نشان داد که با توجه به رابطه بین تفاوت‌های فردی و شناختی افراد با سبک پردازش اطلاعات، تصمیم‌گیری و قضاوت، ارتباط مستقیمی بین سبک‌های تفکر و سبک‌های مدیریت و تصمیم‌گیری وجود دارد و پیشنهاد کردند که توسعه سبک‌های تفکر متفاوت میان افراد موجبات ارتقا قضاوت و تصمیم‌گیری و مدیریت بهتر را فراهم می‌نماید.

فولر و کاپلان (۲۰۰۴) در پژوهش خود آزمونی برای سنجش تأثیر تعاملی بین نوع کار و شخصیت شناختی حسابرسان انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که سبک شناختی حسابرسان به طور قابل توجهی با نوع کار ارتباط دارد. حسابرسان تحلیلی وظایف تحلیلی را نسبت به حسابرسان

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. حسابرسان شاغل در مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی در سال ۱۳۹۷، جمعیت هدف این پژوهش را تشکیل می‌دهند. ابزار کار پژوهش حاضر پرسش‌نامه بوده است. برای اندازه‌گیری متغیر وابسته بی‌طرفی (قضاوت حرفه‌ای) حسابرس از پرسش‌نامه ونبرگ و اوهمن (۲۰۱۷)، که شامل یک مطالعه موردی بود استفاده شده است. این مطالعه موردی به شرح زیر است:

"در حسابرسی یک شرکت بزرگ، میان حسابرس و مدیر مالی شرکت درباره عدم ثبت یک بدهی با اهمیت اختلاف نظر به وجود آمده است. هیچگونه رهنمود و استانداردهای حسابداری درباره اهمیت مبلغ بدهی و عدم ثبت آن وجود ندارد. به عقیده حسابرس مبلغ بدهی با اهمیت است. اما مدیر مالی شرکت قویاً با نظر حسابرس مخالف است. او اعتقاد دارد که مبلغ بدهی ثبت نشده، فاقد اهمیت است و از این رو، نیازی نیست که صورتهای مالی اصلاح و تعدیل شود. احتمال آن که این بدهی نباید ثبت شود را از شماره ۱ با احتمال خیلی کم تا شماره ۱۰ با احتمال خیلی زیاد شماره گذاری کنید." هم‌چنین برای اندازه‌گیری متغیر مستقل از پرسش‌نامه سبک-های تفکر استرنبرگ (۱۹۹۱) استفاده شده است.

از آنجا که روش‌شناسی مدلیابی معادلات ساختاری، تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چند متغیری شباهت دارد، می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چند متغیری برای تعیین حجم نمونه در مدلیابی معادلات ساختاری استفاده نمود. براین اساس تعیین حجم نمونه می‌تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه-گیری شده، تعیین شود (هومن، ۱۳۸۷). بنابراین با توجه به این‌که تعداد گویه (سوال)های پرسش‌نامه مورد استفاده در پژوهش حاضر ۵۳ مورد بود، حداقل به ۲۱۲ (۴*۵۳) نمونه نیاز بوده که بدین منظور تعداد ۳۵۰ عدد پرسش‌نامه بین حسابرسان جامعه آماری به صورت تصادفی توزیع گردید که از ۲۷۶ پرسش‌نامه برگشتی ۲۵۸ مورد آن قابل استفاده بوده و حداکثر راست‌نمایی مورد تحلیل قرار گرفت.

در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری پایایی ابزار پژوهش از معیار پایایی ترکیبی (CR) استفاده شده است. هم‌چنین برای اندازه‌گیری روایی همگرا از روش تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از معیارهای بارعاملی و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و برای اندازه‌گیری روایی تشخیصی نیز از معیار فورنل و لارکر استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های

شهودی بهتر انجام دادند. به همین ترتیب حسابرسان شهودی کارهای شهودی را نسبت به وظایف تحلیلی بهتر انجام دادند. تیلور^{۳۱} (۱۹۸۴) در پژوهش خود در مورد نقش ویژگی‌های روانی در تصمیم‌گیری، به نگرش‌ها و سبک‌ها اشاره نمود. نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیت و انگیزه‌ی تصمیم‌گیرندگان تأثیر عمده‌ای بر رفتارهای تصمیم‌گیری فردی (مثلاً میزان اطلاعات مورد نظر یا میزان پردازش اطلاعات) دارد. کوتمان^{۳۲} و رموس^{۳۳} (۱۹۸۹) دریافتند که سبک‌شناختی بر رفتار تصمیم‌گیرندگان در هنگام یادگیری تأثیر می‌گذارد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های اصلی و فرعی پژوهش با توجه به مبانی نظری و اهداف پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اصلی: سبک‌های تفکر بر بی‌طرفی (قضاوت حرفه-ای) حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه اول: سبک تفکر قانون‌گذارانه بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه دوم: سبک تفکر اجرایی بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه سوم: سبک تفکر قضاوت‌گر بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه چهارم: سبک تفکر تک‌سالاری بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه پنجم: سبک تفکر سلسله مراتبی بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه ششم: سبک تفکر جرگه‌سالار بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه هفتم: سبک تفکر بی‌قانونی بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه هشتم: سبک تفکر کلی‌نگر بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه نهم: سبک تفکر جزئی‌نگر بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه دهم: سبک تفکر درون‌نگر بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه یازدهم: سبک تفکر برون‌نگر بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه دوازدهم: سبک تفکر آزاداندیش بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه سیزدهم: سبک تفکر محافظه‌کار بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

پژوهش نیز از روش مدل معادلات ساختاری (SEM) بهره گرفته شده است. با استفاده از مدل معادلات ساختاری، از یک طرف میزان برازش الگوی مفهومی پژوهش با داده‌ها و شاخص‌های مورد نظر و از طرف دیگر فرضیه‌های پژوهش (تأثیر متغیرها بر یکدیگر) مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. اهم شاخص‌هایی که برای سنجش برازش الگوی مفهومی پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، عبارت بود از: ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)، شاخص برازش هنجار شده (NFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازش هنجار نشده (NNFI)، ریشه میانگین مربعات باقیمانده (RMR) و شاخص برازش افزایشی (IFI).

۴- یافته‌های پژوهش

مشخصه‌های جمعیت‌شناختی اعضای نمونه نشان می‌دهد که ۵۳ درصد از مشارکت کنندگان مرد و ۴۷ درصد زن بوده اند. از نظر مرتبه شغلی ۲۴/۸ درصد حسابرس، ۲۸/۳ درصد حسابرس ارشد، ۳۰/۷ درصد سرپرست و ۱۶/۲ درصد مدیر بوده اند. ۴۲/۳ درصد در بخش دولتی (سازمان حسابرسی) و ۵۷/۷ درصد در بخش خصوصی (مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران)، مشغول به فعالیت بوده اند. از نظر مدرک تحصیلی، ۱۱/۸ درصد کاردانی، ۳۹ درصد کارشناسی، ۵۴/۲ درصد کارشناسی ارشد و ۵ درصد دکتری بوده اند.

برای اندازه‌گیری روایی همگرای سازه‌های مدل مفهومی پژوهش، از روش تحلیل عاملی تأییدی (CFA) استفاده گردید. روایی همگرا بیان گر آن است که شاخص‌های یک سازه، تا چه حد در تبیین واریانس مشترک سهم دارند. روش تحلیل عاملی تأییدی، یکی از روش‌های معتبر علمی برای اندازه‌گیری روایی سازه است که به برآورد بار عاملی و روابط بین مجموعه‌ای از شاخص‌ها و عوامل می‌پردازد. بار عاملی معرف همبستگی شاخص‌ها با عامل مربوطه است و مانند هر گونه همبستگی دیگر تفسیر می‌شود (هومن، ۱۳۸۷). برای اندازه‌گیری روایی تشخیصی سازه‌های مدل مفهومی پژوهش نیز از معیار فورنل و لارکر استفاده شد براساس این معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) با توان دوم ضریب همبستگی متغیرهای مکنون مقایسه می‌گردد.

برای سنجش روایی هم‌گرا در تحلیل عاملی تأییدی بایستی دو معیار بار عاملی و میانگین واریانس استخراج شده در نظر گرفته شود. بار عاملی باید بزرگتر از ۰/۴ باشد و گویند-هایی با بار عاملی کمتر از ۰/۴ بایست حذف گردند. همچنین تأیید یا رد معناداری بارهای عاملی باید با توجه به اعداد معناداری (T-Value) صورت بگیرد. بدین ترتیب که در سطح

خطای ۰/۰۵ بارعاملی که مقدار T-Value آن بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱/۹۶- باشد، معنی‌دار است. در تحلیل عاملی اولیه گویند-هایی که شرایط لازم را نداشته، حذف گردیدند و مجدداً تحلیل عاملی آزمون گردید. لازم به ذکر است که متغیر بی طرفی حسابرس با یک گویند سنجیده شده است لذا آزمون تحلیل عاملی برای آزمون روایی و پایایی این متغیر موضوعیت نداشته و صرفاً روایی و پایایی متغیر سبک‌های تفکر و ابعاد آن مورد آزمون قرار می‌گیرد. همان‌طور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است، بارهای عاملی همه گویند-های باقیمانده ابعاد سبک‌های تفکر بزرگتر از ۰/۴ بوده که از نظر آماری نیز معنی‌دار هستند چرا که میزان T-Value آن‌ها بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشد. میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE) نیز باید بزرگتر از ۰/۴ باشد (مگنر و همکاران، ۱۹۹۶). مقادیر AVE در قطر اصلی جدول شماره ۲ نشان داده شده است، که مقادیر مذکور همگی بیشتر از ۰/۴ می‌باشد.

جدول ۱: تحلیل عاملی سازه‌های مدل مفهومی پژوهش

| سبک‌های تفکر | گویند | بارعاملی | آماره T | خطای استاندارد |
|---------------|-------|----------|---------|----------------|
| قانون‌گذارانه | LST1 | ۰/۶۱ | ۹/۸۱ | ۰/۶۳ |
| | LST2 | ۰/۷۰ | ۱۱/۵۷ | ۰/۵۱ |
| | LST3 | ۰/۷۷ | ۱۳/۰۴ | ۰/۴۱ |
| | LST4 | ۰/۷۱ | ۱۱/۷۸ | ۰/۵۰ |
| اجرایی | EST2 | ۰/۷۴ | ۱۱/۲۹ | ۰/۴۵ |
| | EST3 | ۰/۷۰ | ۱۰/۷۵ | ۰/۵۱ |
| | EST4 | ۰/۵۶ | ۸/۳۹ | ۰/۶۹ |
| فضاوت‌گر | JST1 | ۰/۷۶ | ۱۳/۲۳ | ۰/۴۲ |
| | JST2 | ۰/۸۵ | ۱۵/۳۵ | ۰/۲۸ |
| | JST3 | ۰/۷۵ | ۱۳/۰۶ | ۰/۴۴ |
| تک‌سالاری | MST3 | ۰/۸۵ | ۱۳/۷۰ | ۰/۲۸ |
| | MST4 | ۰/۸۸ | ۱۴/۲۱ | ۰/۲۳ |
| سلسله‌مراتبی | DST1 | ۰/۶۶ | ۱۰/۵۳ | ۰/۵۶ |
| | DST2 | ۰/۶۹ | ۱۱/۲۸ | ۰/۵۲ |
| | DST3 | ۰/۶۵ | ۱۰/۴۹ | ۰/۵۸ |
| جرگه‌سالار | SST3 | ۰/۶۶ | ۹/۰۳ | ۰/۵۶ |
| | SST4 | ۰/۸۱ | ۱۰/۴۰ | ۰/۳۴ |
| بی‌قانونی | NST3 | ۰/۷۹ | ۱۴/۶۹ | ۰/۳۸ |
| | NST4 | ۰/۸۳ | ۱۶/۱۰ | ۰/۳۱ |
| کلی‌نگر | GST2 | ۰/۷۵ | ۱۳/۴۴ | ۰/۴۴ |
| | GST3 | ۰/۸۰ | ۱۴/۸۳ | ۰/۳۶ |
| جزئی‌نگر | FST2 | ۰/۶۸ | ۱۰/۷۹ | ۰/۵۴ |
| | FST3 | ۰/۷۳ | ۱۱/۷۴ | ۰/۴۷ |

بیشتر از مربع ارتباط (همبستگی) میان دو متغیر مکنون باشد، روایی تشخیصی وجود دارد. ماتریس همبستگی ابعاد سبک‌های تفکر در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. در قطر اصلی این ماتریس میزان AVE و مربع همبستگی بین ابعاد سبک-های تفکر در پایین قطر اصلی نشان داده شده است. همان‌طور که نشان داده شده است میزان AVE برای همه ابعاد بیشتر از ۰/۴ بوده و همچنین مقدار AVE برای هر بعد از مربع ارتباط بین آن بعد با ابعاد دیگر نیز بیشتر است که بیان‌گر روایی تشخیصی می‌باشد.

به منظور تعیین پایایی سؤالات پرسشنامه از روش پایایی سازه (CR) استفاده شد و مقدار پایایی ترکیبی برای هر دسته از سؤالات باقیمانده سبک‌های تفکر، مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. نتایج پایایی سؤالات در جدول شماره ۳ ارائه گردیده است. همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود مقادیر پایایی ترکیبی تمام سازه‌های سبک‌های تفکر بیشتر از ۰/۷۰ می‌باشد و این نشان از پایایی ابزار پژوهش دارد.

| سبک‌های تفکر | گویه | بارعاملی | آماره T | خطای استاندارد |
|--------------|------|----------|---------|----------------|
| درون‌نگر | FST4 | ۰/۷۸ | ۱۲/۵۰ | ۰/۳۹ |
| | IST2 | ۰/۶۶ | ۱۰/۶۱ | ۰/۵۶ |
| | IST3 | ۰/۹۰ | ۱۴/۵۹ | ۰/۱۹ |
| | IST4 | ۰/۶۴ | ۱۰/۱۹ | ۰/۵۹ |
| برون‌نگر | XST1 | ۰/۶۰ | ۱۰/۰۴ | ۰/۶۴ |
| | XST2 | ۰/۷۴ | ۱۳/۲۳ | ۰/۴۵ |
| | XST3 | ۰/۸۸ | ۱۶/۸۳ | ۰/۲۳ |
| | XST4 | ۰/۷۰ | ۱۲/۱۸ | ۰/۵۱ |
| آزاد اندیش | TST1 | ۰/۸۴ | ۱۶/۰۲ | ۰/۲۹ |
| | TST2 | ۰/۸۹ | ۱۷/۵۱ | ۰/۲۱ |
| | TST3 | ۰/۶۹ | ۱۲/۱۰ | ۰/۵۲ |
| | TST4 | ۰/۶۴ | ۱۰/۹۹ | ۰/۵۹ |
| محافظه کار | CST1 | ۰/۸۳ | ۱۲/۶۰ | ۰/۳۱ |
| | CST2 | ۰/۸۳ | ۱۲/۶۲ | ۰/۳۱ |

برای محاسبه روایی تشخیصی بر اساس معیار فروئل و لارکر، چنان‌چه میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE)

جدول ۲: ماتریس مربع همبستگی ابعاد سبک‌های تفکر و مقادیر AVE

| سبک‌های تفکر | قانون-گذارانه | اجرائی | قضاوت-گر | تک-سالاری | سلسله مراتبی | جرگه-سالار | بی قانونی | کلی نگر | جزئی نگر | درون نگر | برون نگر | آزاد-اندیش | محافظه-کار |
|---------------|---------------|--------|----------|-----------|--------------|------------|-----------|---------|----------|----------|----------|------------|------------|
| قانون‌گذارانه | ۰/۴۹۰ | | | | | | | | | | | | |
| اجرائی | ۰/۰۰۵ | ۰/۴۵۰ | | | | | | | | | | | |
| قضاوت‌گر | ۰/۰۴۰ | ۰/۱۱۶ | ۰/۶۲۱ | | | | | | | | | | |
| تک سالاری | ۰/۰۴۸ | ۰/۰۶۳ | ۰/۰۰۶ | ۰/۷۴۸ | | | | | | | | | |
| سلسله مراتبی | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۰۳ | ۰/۱۲۳ | ۰/۲۲۱ | ۰/۴۴۵ | | | | | | | | |
| جرگه سالار | ۰/۰۶۳ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۴۶ | ۰/۵۴۶ | | | | | | | |
| بی قانونی | ۰/۰۳۶ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۴۸ | ۰/۰۲۶ | ۰/۰۳۶ | ۰/۱۳۰ | ۰/۶۵۷ | | | | | | |
| کلی نگر | ۰/۰۲۳ | ۰/۰۹۰ | ۰/۱۵۲ | ۰/۰۱۴ | ۰/۲۷۰ | ۰/۰۰۶ | ۰/۰۹۶ | ۰/۶۰۱ | | | | | |
| جزئی نگر | ۰/۰۰۲ | ۰/۰۱۴ | ۰/۰۱۲ | ۰/۰۳۲ | ۰/۰۰۳ | ۰/۰۵۸ | ۰/۰۱۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۳۵ | | | | |
| درون نگر | ۰/۰۷۸ | ۰/۰۰۳ | ۰/۰۰۴ | ۰/۰۲۹ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۸ | ۰/۰۱۲ | ۰/۰۲۰ | ۰/۰۲۶ | ۰/۵۵۲ | | | |
| برون نگر | ۰/۰۰۵ | ۰/۱۶۰ | ۰/۱۵۲ | ۰/۰۰۶ | ۰/۱۸۵ | ۰/۰۴۰ | ۰/۰۵۳ | ۰/۱۶۸ | ۰/۰۴۴ | ۰/۰۰۲ | ۰/۵۴۳ | | |
| آزاد اندیش | ۰/۰۱۷ | ۰/۰۴۰ | ۰/۱۵۲ | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۳۷ | ۰/۰۳۲ | ۰/۰۸۴ | ۰/۱۵۲ | ۰/۰۳۲ | ۰/۰۰۸ | ۰/۲۰۳ | ۰/۵۹۶ | |
| محافظه کار | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۱۲ | ۰/۰۲۶ | ۰/۰۰۴ | ۰/۱۴۴ | ۰/۰۴۴ | ۰/۰۱۰ | ۰/۰۶۸ | ۰/۰۶۳ | ۰/۰۰۲ | ۰/۰۱۷ | ۰/۶۸۹ |

جدول ۳: نتایج پایایی سبک‌های تفکر

| سبک‌های تفکر | تعداد گویه | پایایی ترکیبی |
|---------------|------------|---------------|
| قانون گذارانه | ۴ | ۰/۷۹۲ |
| اجرایی | ۳ | ۰/۷۰۸ |
| قضاوت‌گر | ۳ | ۰/۸۳۰ |
| تک‌سالاری | ۲ | ۰/۸۵۶ |
| سلسله مراتبی | ۳ | ۰/۷۰۶ |
| جرگه‌سالار | ۲ | ۰/۷۰۴ |
| بی‌قانونی | ۲ | ۰/۷۹۳ |
| کلی‌نگر | ۲ | ۰/۷۵۱ |
| جزئی‌نگر | ۳ | ۰/۷۷۵ |
| درون‌نگر | ۳ | ۰/۷۸۳ |
| برون‌نگر | ۴ | ۰/۸۲۳ |
| آزاداندیش | ۴ | ۰/۸۵۳ |
| محافظه‌کار | ۲ | ۰/۸۱۶ |

- سبک تفکر سلسله مراتبی، تاثیر منفی ۹ درصدی بر بی- طرفی حسابرسان دارد. اما این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار نیست چراکه آماره T-Value برابر با ۰/۷۳- و بیشتر از ۱/۹۶- می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر سلسله مراتبی بر بی‌طرفی حسابرسان رد می‌شود.
- سبک تفکر جرگه‌سالار، تاثیر مثبت ۱۰ درصدی بر بی- طرفی حسابرسان دارد. اما این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار نیست چراکه آماره T-Value برابر با ۱/۳۷ و کمتر از ۱/۹۶ می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر جرگه- سالار بر بی‌طرفی حسابرسان رد می‌شود.
- سبک تفکر بی‌قانونی، تاثیر مثبت ۱۵ درصدی بر بی- طرفی حسابرسان دارد. اما این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار نیست چراکه آماره T-Value برابر با ۱/۸۷ و کمتر از ۱/۹۶ می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر بی‌قانونی بر بی‌طرفی حسابرسان رد می‌شود.
- سبک تفکر کلی‌نگر، تاثیر مثبت ۱۱ درصدی بر بی‌طرفی حسابرسان دارد. اما این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار نیست چراکه آماره T-Value برابر با ۰/۹۶- و کمتر از ۱/۹۶- می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر کلی‌نگر بر بی- طرفی حسابرسان رد می‌شود.
- سبک تفکر جزئی‌نگر، تاثیر مثبت ۱۶ درصدی بر بی‌طرفی حسابرسان دارد. این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار است چرا که آماره T-Value برابر با ۲/۸۳ و بیشتر از ۱/۹۶- می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر جزئی‌نگر بر بی- طرفی حسابرسان را نمی‌توان رد کرد.
- سبک تفکر درون‌نگر، تاثیر مثبت ۲۵ درصدی بر بی‌طرفی حسابرسان دارد. این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار است چرا که آماره T-Value برابر با ۴/۶۱ و بیشتر از ۱/۹۶- می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر درون‌نگر بر بی‌طرفی حسابرسان را نمی‌توان رد کرد.
- سبک تفکر برون‌نگر، تاثیر مثبت ۱۴ درصدی بر بی‌طرفی حسابرسان دارد. این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار است چرا که آماره T-Value برابر با ۲/۱۰ و بیشتر از ۱/۹۶- می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر برون‌نگر بر بی- طرفی حسابرسان را نمی‌توان رد کرد.
- سبک تفکر آزاداندیش، تاثیر مثبت ۱۹ درصدی بر بی- طرفی حسابرسان دارد. این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار است چرا که آماره T-Value برابر با ۳/۰۴ و بیشتر از ۱/۹۶- می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر آزاداندیش بر بی‌طرفی حسابرسان را نمی‌توان رد کرد.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده گردید که نتایج حاصل به طور خلاصه در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. بر اساس داده‌های مندرج در این جدول، می‌توان گفت:

- سبک تفکر قانون گذارانه، تاثیر مثبت ۱۱ درصدی بر بی- طرفی حسابرسان دارد. اما این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار نیست چراکه آماره T-Value برابر با ۱/۷۶ و کمتر از ۱/۹۶- می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر قانون- گذارانه بر بی‌طرفی حسابرسان رد می‌شود.
- سبک تفکر اجرایی، تاثیر مثبت ۲۸ درصدی بر بی‌طرفی حسابرسان دارد. این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار است چراکه آماره T-Value برابر با ۳/۶۱ و بیشتر از ۱/۹۶- می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر اجرایی بر بی‌طرفی حسابرسان را نمی‌توان رد کرد.
- سبک تفکر قضاوت‌گر، تاثیر مثبت ۹ درصدی بر بی‌طرفی حسابرسان دارد. اما این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار نیست چراکه آماره T-Value برابر با ۱/۴۸ و کمتر از ۱/۹۶- می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر قضاوت‌گر بر بی- طرفی حسابرسان رد می‌شود.
- سبک تفکر تک‌سالاری، تاثیر مثبت ۱۴ درصدی بر بی- طرفی حسابرسان دارد. اما این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار نیست چراکه آماره T-Value برابر با ۱/۷۶ و کمتر از ۱/۹۶- می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر تک- سالاری بر بی‌طرفی حسابرسان رد می‌شود.

جزئی‌نگر، درون‌نگر، و محافظه‌کار، سنجه ضعیفی برای تبیین متغیر سبک‌های تفکر بودند. لذا این ابعاد حذف گردیده و مجدداً تحلیل عاملی برای متغیر سبک‌های تفکر صورت پذیرفت. نتایج مربوط به تحلیل عاملی نهایی مرتبه دوم متغیر سبک‌های تفکر به طور خلاصه در جدول شماره ۵ نشان داده شده است. همان‌طور که در این جدول نشان داده شده است بار عاملی همه ابعاد باقی‌مانده بیشتر از ۰/۴ بوده که از نظر آماری نیز معنی‌دار هستند چرا که میزان T-Value آن‌ها بزرگ‌تر از ۱/۹۶ می‌باشد. هم چنین مقدار AVE محاسبه شده برای آن برابر ۰/۴۱۷ بوده که از ۰/۴ بیشتر است. لذا روایی همگرا برای این متغیر وجود داشت. ابعاد باقی‌مانده مندرج در جدول تبیین‌کننده متغیر سبک‌های تفکر می‌باشند که در آزمون فرضیه اصلی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

جدول ۵: نتایج تحلیل عملی مرتبه دوم سبک‌های تفکر

| نام مشخصه اثرگذار (بعد) | بار عاملی | آماره T |
|-------------------------|-----------|---------|
| اجرایی | ۰/۵۸ | ۶/۵۷ |
| قضاوت‌گر | ۰/۵۸ | ۷/۱۷ |
| سلسله مراتبی | ۰/۷۲ | ۷/۱۴ |
| کلی‌نگر | ۰/۷۵ | ۸/۲۰ |
| برون‌نگر | ۰/۶۵ | ۷/۱۰ |
| آزاداندیش | ۰/۵۷ | ۷/۵۶ |

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه اصلی پژوهش در جدول ۶ نشان داده شده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، سبک‌های تفکر در مجموع تاثیر مثبت ۷۱ درصدی بر بی‌طرفی حسابرس دارد، که این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار است چرا که آماره T-Value آن برابر ۱۰/۹۳ بوده و از ۱/۹۶ بزرگتر است. لذا فرضیه اصلی پژوهش یعنی تاثیر سبک‌های تفکر بر بی‌طرفی حسابرس را نمی‌توان رد کرد.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه اصلی پژوهش

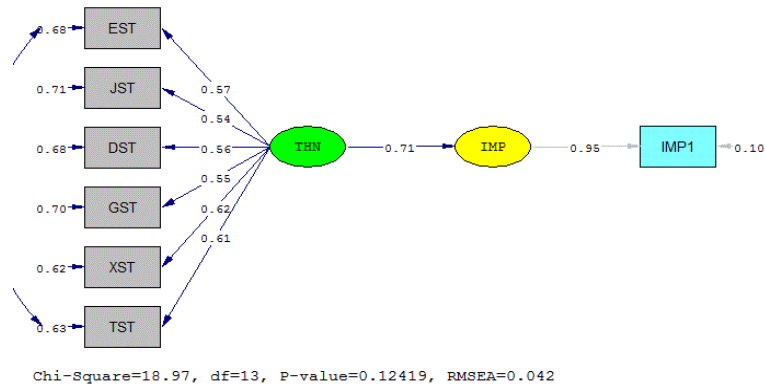
| فرضیه | ضریب مسیر | آماره T-Value | نتیجه آزمون |
|--------------------------------------|-----------|---------------|-----------------|
| تاثیر سبک‌های تفکر بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۷۱ | ۱۰/۹۳ | نمی‌توان رد کرد |

سبک تفکر محافظه‌کار، تاثیر مثبت ۱۵ درصدی بر بی‌طرفی حسابرس دارد. این تاثیر از نظر آماری معنی‌دار است چرا که آماره T-Value برابر با ۲/۳۳ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد. بنابراین فرضیه تاثیر سبک تفکر محافظه‌کار بر بی‌طرفی حسابرس را نمی‌توان رد کرد.

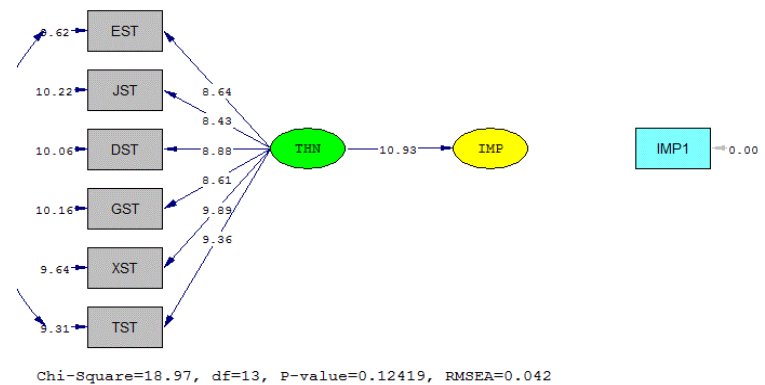
جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

| فرضیه | ضریب مسیر | آماره T-Value | نتیجه آزمون |
|--|-----------|---------------|-----------------|
| تاثیر سبک تفکر قانون‌گذارانه بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۱۱ | ۱/۷۶ | رد می‌شود |
| تاثیر سبک تفکر اجرایی بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۲۸ | ۳/۶۱ | نمی‌توان رد کرد |
| تاثیر سبک تفکر قضاوت‌گر بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۰۹ | ۱/۴۸ | رد می‌شود |
| تاثیر سبک تفکر تک‌سالاری بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۱۴ | ۱/۷۶ | رد می‌شود |
| تاثیر سبک تفکر سلسله مراتبی بر بی‌طرفی حسابرس | -۰/۰۹ | -۰/۷۳ | رد می‌شود |
| تاثیر سبک تفکر جرگه سالار بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۱۰ | ۱/۳۷ | رد می‌شود |
| تاثیر سبک تفکر بی‌قانونی بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۱۵ | ۱/۸۷ | رد می‌شود |
| تاثیر سبک تفکر کلی‌نگر بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۱۱ | ۰/۹۶ | رد می‌شود |
| تاثیر سبک تفکر جزئی‌نگر بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۱۶ | ۲/۸۳ | نمی‌توان رد کرد |
| تاثیر سبک تفکر درون‌نگر بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۲۵ | ۴/۶۱ | نمی‌توان رد کرد |
| تاثیر سبک تفکر برون‌نگر بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۱۴ | ۲/۱۰ | نمی‌توان رد کرد |
| تاثیر سبک تفکر آزاداندیش بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۱۹ | ۳/۰۴ | نمی‌توان رد کرد |
| تاثیر سبک تفکر محافظه‌کار بر بی‌طرفی حسابرس | ۰/۱۵ | ۲/۳۳ | نمی‌توان رد کرد |

از آنجایی که متغیر سبک‌های تفکر دارای ۱۳ بعد مجزا می‌باشد، پیش از آزمون فرضیه اصلی پژوهش باید تحلیل عاملی مرتبه دوم را نیز برای این متغیر مورد آزمون قرار داد تا معلوم شود کدام یک از این ابعاد می‌توانند به گونه مناسبی متغیر سبک‌های تفکر را تبیین کنند. در آزمون اولیه در خصوص تحلیل عاملی مرتبه دوم متغیر سبک‌های تفکر؛ سبک‌های قانون‌گذارانه، تک‌سالاری، جرگه سالار، بی‌قانونی،



آزمون فرضیه اصلی پژوهش در حالت استاندارد



آزمون فرضیه اصلی پژوهش در حالت معنی داری

گیرد (کلانتری، ۱۳۸۸). براین اساس در اینجا به چند شاخص مهم سنجش برازش الگوی مفهومی اشاره می‌شود که در این پژوهش مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. همان طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، مقادیر تمامی شاخص‌ها نشان دهنده برازش مناسب و قابل قبول الگوی مفهومی پژوهش می‌باشد. بنابراین، همخوانی الگوی مفهومی با داده‌های گردآوری شده مورد تأیید واقع می‌شود.

در جدول ۷ تعدادی از شاخص‌های مهم برازش الگوی مفهومی نیز اندازه‌گیری شده است. لازم به یادآوری است که مجموعه وسیعی از معیارها و شاخص‌های برازندگی وجود دارند که می‌توانند برای اندازه‌گیری کل الگو مورد استفاده قرار گیرند. یک محقق باید از معیارهای مختلفی برای قضاوت در مورد برازش مدل استفاده کند، زیرا شاخص واحدی وجود ندارد که به طور قطعی برای آزمون مدل، مورد قضاوت و ارزیابی قرار

جدول ۷: ارزیابی برازش کل الگوی مفهومی پژوهش

| وضعیت برازش | مقادیر توصیه شده | مقادیر محاسبه شده شاخص‌ها - آزمون فرضیه اصلی | مقادیر محاسبه شده شاخص‌ها - آزمون فرضیه‌های فرعی | شاخص‌های برازش الگوی مفهومی |
|-------------------|-------------------|--|--|-----------------------------|
| --- | --- | ۱۸/۹۷ | ۷۸۲/۴۴ | Chi Square |
| --- | --- | ۱۳ | ۵۷۵ | Df |
| قابل قبول | Chi Square/Df ≤ 3 | ۱/۴۵۹۲ | ۱/۳۶۰۷ | Chi Square/Df |
| قابل قبول | ۰/۰۸ RMSEA ≤ | ۰/۰۴۲ | ۰/۰۳۷ | RMSEA |
| تقریباً قابل قبول | ۰/۹۰ NFI ≥ | ۰/۹۷ | ۰/۸۸ | NFI |
| قابل قبول | ۰/۹۰ CFI ≥ | ۰/۹۹ | ۰/۹۶ | CFI |
| قابل قبول | ۰/۹۰ NNFI ≥ | ۰/۹۸ | ۰/۹۵ | NNFI |

| شاخص‌های برازش الگوی مفهومی | مقادیر محاسبه شده شاخص‌ها - آزمون فرضیه‌های فرعی | مقادیر محاسبه شده شاخص‌ها - آزمون فرضیه اصلی | مقادیر توصیه شده | وضعیت برازش |
|-----------------------------|--|--|------------------|-------------|
| RMR | ۰/۰۸۹ | ۰/۰۴۰ | $\leq ۰/۵RMR$ | قابل قبول |
| IFI | ۰/۹۶ | ۰/۹۹ | $\geq ۰/۹۰IFI$ | قابل قبول |

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در حسابداری از ارکان اساسی فرایند پاسخ‌گویی، حسابرسی است. زیرا پاسخ‌گویی مستلزم وجود اطلاعات معتبر و قابل اتکاست و قابلیت اتکای اطلاعات، مستلزم بررسی آن‌ها به دست شخصی مستقل از تهیه‌کننده‌ی اطلاعات است. در فرایند پاسخ‌گویی، حسابرسی از طریق تعیین اعتبار اطلاعات، ارزش افزوده ایجاد می‌کند. منشاء ارزش حسابرسی صورت‌های مالی را قضاوت حرفه‌ای حسابرس تشکیل می‌دهد. به اعتقاد کارشناسان، پاسخ تعداد زیادی از موضوعات و ابهامات که زاییده‌ی ماهیت حسابرسی است، تنها با اتکا به قضاوت حرفه‌ای مقدر است (نیکخواه آزاد، ۱۳۷۹).

اظهارنظر حسابرسان ممکن است تحت تأثیر شرایط مختلفی قرار گیرد. بر اساس تحقیق دریجر^{۳۴} و رایس^{۳۵} (۱۹۹۹) شرکت‌های خدماتی عمدتاً بر اساس مهارت‌های کارکنان شکل گرفته‌اند. توان فکری و اندیشه‌های کارکنان در سازمان به عنوان سرمایه‌ی نهفته و راکد است. تغییرات فنی، سازمان‌ها را مجبور به توسعه‌ی شایستگی‌های نیروی انسانی می‌کند که عاملی مهم در دستیابی به موفقیت و کسب مزیت رقابتی است. مؤسسات حسابرسی نیز به عنوان ارائه‌دهندگان خدمات اعتباربخشی، از این قاعده مستثنی نیستند و اظهارنظر آن‌ها تا حدودی به ویژگی‌های فردی حسابرس بستگی دارد (یعقوب نژاد و امیری، ۱۳۸۸).

هدف از انجام این پژوهش پاسخ به این سوال بود که آیا سبک‌های تفکر بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیر می‌گذارد؟ نتایج این پژوهش نشان داد که سبک‌های تفکر اجرایی، جزئی‌نگر، درون‌نگر، برون‌نگر، آزاداندیش و محافظه‌کار با بی‌طرفی حسابرسان رابطه‌ی مثبت و معناداری دارند. همچنین سبک‌های تفکر قانون‌گذارانه، قضاوت‌گر، تک‌سالاری، سلسله‌مراتبی، جرگه سالار، بی‌قانونی و کلی‌نگر با بی‌طرفی حسابرسان رابطه معناداری ندارند. نتایج کلی این پژوهش بیان‌گر این است که سبک‌های تفکر بر عملکرد حسابرسان در تصمیم‌گیری و قضاوت تأثیر می‌گذارد. در این رابطه تیلور (۱۹۸۴) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که انگیزه تصمیم‌گیرندگان تأثیر عمده‌ای بر رفتارهای تصمیم‌گیری فردی دارد.

هم‌چنین کلایزینسکی^{۳۶} (۲۰۰۰) نیز در پژوهش خود رابطه مثبت بین نیاز به شناخت و تصمیم‌گیری تحلیلی را مشاهده نمود. شایان ذکر است که افراد با نیاز به شناخت بالا ضمن این-که افکار بیشتری را تولید می‌کنند، در مورد افکارشان نیز بیشتر فکر می‌کنند (پتی، برینول^{۳۷}، تورمالا^{۳۸} و وگنر^{۳۹}، ۲۰۰۷). این افراد، اعتبار افکارشان را بیشتر مورد ارزیابی قرار می‌دهند (پتی، برینول و تورمالا، ۲۰۰۲). این افراد همچنین به فرایند تغییر یا حفظ عقایدشان نیز فکر می‌کنند (راکر^{۴۰}، پتی و برینول، ۲۰۰۸). بنابراین افراد با نیاز به شناخت بالا، به دلیل جمع‌آوری اطلاعات زیاد و همچنین تفکر در مورد اعتبار افکارشان، می‌توانند سوگیری‌ها را در قضاوت‌هایشان کاهش دهند (دی استونو^{۴۱}، پتی، راکر و گنرو براورمن^{۴۲}، ۲۰۰۴). تفسیر نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ضرایب مسیر در آزمون فرضیه‌های پژوهش برای دو سبک تفکر اجرایی و درون‌نگر بیشتر از سایر سبک‌های تفکر است و این موضوع به این معناست که دو سبک تفکر اجرایی و درون‌نگر بیشترین تأثیر را بر بی‌طرفی حسابرس دارند. این موضوع نشان می‌دهد که بی‌طرفی حسابرس بیشتر تحت تأثیر اجرای قوانین و مقررات (تفکر اجرایی) و تمرکز بر خویشتن و تمایل به انجام کارها به صورت فردی (تفکر درون-نگر) می‌باشد.

نتایج حاصل از مطالعه حاضر قضاوت حسابرسان را متأثر از سبک تفکر و یادگیری آنان می‌داند که این موضوع می‌تواند در آموزش حسابداری و حسابرسی و همچنین در حرفه حسابرسی مورد توجه قرار گیرد. سیاست‌گذاران حوزه آموزش، می‌توانند عملکرد حسابرسان در قضاوت و تصمیم‌گیری را با آموزش سبک‌های تفکر مورد نیاز در حسابرسی ارتقا دهند. نتیجه کلی این پژوهش بیان می‌کند که سبک‌های تفکر بر عملکرد حسابرسان در تصمیم‌گیری و قضاوت تأثیر می‌گذارد. این موضوع با نظریه خودحکومتی ذهن مطابق می‌باشد. در واقع اندیشه اساسی نظریه خودحکومتی ذهن این است که انواع حکومت‌های موجود در جهان صرفاً به صورت تصادفی و اتفاقی به وجود نیامده‌اند، بلکه آن‌های انعکاس‌های بیرونی از آن‌چه در ذهن افراد روی می‌دهند، هستند. در نتیجه نتایج این پژوهش موجب بسط و گسترش این نظریه در تحقیقات رفتاری

حسابداری مالی و حسابرسی، سال نهم، شماره ۳۶، ۱۲۹-۱۱۱.

* سه‌رایی جهرمی، علی، (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر روش‌های حسابرسی در قضاوت نسبت به صورت‌های مالی واحدهای مورد رسیدگی، دانش حسابرسی (۴۵): ۱۲۶-۱۰۴.

* شکری، امید، پروین کدیور، ولی‌الله فرزاد، علی اکبر سنگری و زیبا غنایی، (۱۳۸۵)، نقش رگه‌های شخصیت و سبک‌های تفکر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، ارائه مدل‌های علی، فصلنامه روان.

* کشتکاران، علی، شهناز کفاشی و جمیل صادقی‌فر، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه سبک‌های تفکر و شیوه‌های یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فصلنامه توسعه آموزش در علوم پزشکی، دوره ۶، شماره ۱۰.

* کلانتری، خلیل، (۱۳۸۸)، مدل‌سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی؛ تهران: انتشارات فرهنگ صبا.

* کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، (۱۳۸۸)، استانداردهای حسابداری ایران. سازمان حسابرسی، چاپ شانزدهم، انتشارات سازمان حسابرسی، شناسان ایرانی، سال دوم، شماره ۷، صفحه ۲۳۴-۲۱۹.

* نیکخواه‌آزاد، علی، (برگرداننده)، (۱۳۷۹)، بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی، کمیته تدوین رهنمودهای حسابرسی، تهران، سازمان حسابرسی، ۱۲۱.

* هومن، حیدرعلی، (۱۳۸۷)، مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، ویرایش اول: انتشارات سمت. صص ۱۱۷-۱۱۵.

* یعقوب نژاد، احمد و محمد امیری، (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت گزارش‌های حسابرسی و تأثیر عوامل مذکور بر ضریب همبستگی تغییرات قیمت و تغییرات سود سهام، پژوهش‌نامه حسابداری مالی و حسابرسی، شماره اول، صص ۱۱۸-۸۱.

* Balkir, I, (2000), Effect of Analytical Review Results, Optimism and Pattern for Coping on Audit Effort of Accounting Estimates, Doctoral thesis in Canada.

* Baron, R., Logan, H., Lilly, J., Inman, M., & Brennan, M. (1994), Negative emotion and message processing, Journal of Experimental Social Psychology, 30, 181-201.

* Chan, D. (1996), Cognitive misfit of problem-solving style at work: A face of person-organization fit, Organizational Behavior and Human Decision Processes 68: 194-207.

* Chenhall, R., & Morris, D. (1991). The effect of cognitive style and sponsorship bias on the

حسابرسی شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که قضاوت و تصمیم‌گیری افراد و حسابرسان در کار و زندگی، به چگونگی تفکر انسان‌ها وابسته است. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شیوه‌های تفکر، به عنوان ویژگی‌های فردی در میان حسابرسان متفاوت است و این خود می‌تواند تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد.

انجام این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز همراه بوده است. در این خصوص می‌توان به برخی از پاسخ‌دهندگان که انگیزه کافی برای پاسخگویی به سوالات پرسشنامه نداشتند اشاره نمود. همچنین در خصوص تعمیم نتایج این پژوهش به نمونه‌های دیگر باید با احتیاط انجام پذیرد. همچنین در این مقاله فقط تأثیر سبک‌های تفکر بر قضاوت و بی‌طرفی حسابرسان مورد مطالعه قرار گرفته است در حالی که عوامل زیادی بر قضاوت و بی‌طرفی حسابرسان تأثیرگذار است که کنترل همه‌ی عوامل امکان‌پذیر نبود.

فهرست منابع

* اسدی، مرتضی و محمد نعمتی، (۱۳۹۴)، قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی، فصلنامه حسابدار رسمی، شماره ۲۷، ۴۳-۳۳.

* بخشایش، علیرضا، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری با عملکرد تحصیلی در دانشجویان، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال یازدهم، شماره ۱۴، ۱۳۵-۱۴۶.

* حساس یگانه، یحیی و حسین کشیری، (۱۳۸۲)، کاربرد مفهوم اهمیت در حسابرسی و تأثیر آن بر اظهارنظر حسابرسان مستقل، مطالعات حسابداری، ۲؛.

* حیدر، مجتبی و هاشم نیکومرام، (۱۳۹۶)، سبک‌های تفکر و تردید حرفه‌ای در حسابرسی (آزمون نظریه خودحکومتی ذهن)، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال سوم، شماره پنجم-۱۸۵-۱۵۱.

* رضوی، عبدالحمید و محمدعلی شیری، (۱۳۸۴)، بررسی تطبیقی رابطه بین سبک‌های تفکر دختران و پسران دبیرستانی با پیشرفت تحصیلی آنان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۰۸-۸۶.

* رهنمای رودپشتی، فریدون، مجتبی حیدر، هاشم نیکومرام و بهمن بنی‌مهد، (۱۳۹۷)، جنسیت حسابرس و سبک‌های کارکردی تفکر، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۵.

* سعیدی گراغانی، مسلم و احمد ناصری، (۱۳۹۶)، تفاوت‌های فردی و قضاوت حرفه‌ای حسابرس، پژوهش‌های

- * Kottelman, J., & Remus, W. (1989), When and how cognitive style impacts decision making. *Management Science*.
- * Magner, N., Welker, R. B. and Campbell, T. L. (1996), Testing a model of cognitive budgetary participation processes in a latent variable structural, *Journal Accounting and Business Research*, 27(1), pp. 41-50.
- * Mauts, R. K., and H. A. Sharaf, (1961), *The Philosophy of Auditing*, Sarasota, FL: American Accounting Association.
- * McChee, W. Shields, M. D. and Bingberg J. G. (1978), The Effect of Personality on a Subjects Information Processing, *The Accounting Review*, Vol. 3, PP. 681-697.
- * Ott, R. L., M. H. Mann, and C. T. Moores. (1990), An empirical investigation into the interactive effects of student personality traits and method of instruction (Lecture or CAI) on student performance in elementary accounting. *Journal of accounting Education* 8: 17-35.
- * Petty, R. E., Brinol, P., & Tormala, Z. L. (2002), Thought confidence as a determinant of persuasion: the self-validation hypothesis, *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 722-741.
- * Petty, R. E., Brinol, P., Tormala, Z. L., & Wegener, D. T. (2007), The role of metacognition in social judgment. In A. W. Kruglanski & E. T. Higgins (Eds.), *Social Psychology: Handbook of basic principles* (2nd ed., pp. 254-284). New York: Guilford Press.
- * Petty, R. E., & Cacioppo, J. T. (1984), The effects of involvement on response to argument quantity and quality: Central and peripheral routes to persuasion. *Journal of Personality and Social Psychology*, 46, 69-81.
- * Rodgers, W., and T. J. Housel. (1987), The effects of information and cognitive processes on decision making. *Accounting and Business Research*. 18: 67-74.
- * Rucker, D. D., Petty, R. E., & Brinol, P. (2008), What's in a frame anyway? A metacognitive analysis of one- versus two- sided message framing. *Journal of Consumer Psychology*, 18, 137-149.
- * Sternberg, R. J. (1994), *Thinking styles: Theory and assessment at the interface between intelligence and personality*, Cambridge University Press.
- * Sternberg, R. J. (1997), *Thinking Styles*. Cambridge: Cambridge University Press: 52(7): 700-712.
- * Sternberg, R. J. (2003), *Thinking styles*. New York: Cambridge University Press.
- * Svanberg, J. Ohman, P. (2017), Does Charismatic Client Leadership Constrain treatment of opportunity costs in resource allocation decisions, *Accounting, Organizations, and Society*, 16, 27-46.
- * Clayton, P., and Kimbrell, J. (2007). Thinking preferences as diagnostic and learning tools for managerial styles and predictors of auditor success, *Managerial Finance*, 33(12): 921 - 934.
- * Curtis, J., and et al. (2017), Reexamining the Relationship Between Thinking Styles and Transformational Leadership: What Is the Contribution of Imagination and Emotionality?, *Journal of Leadership Studies*: 11(2): 8-21.
- * Desteno, D., Petty, R. E., Rucker, D. D., Wegener, D. T., & Braverman, J. (2004). Discrete emotions and persuasion: the role of emotion-induced expectancies, *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 43-56.
- * Drejer, A. and Riis, J. O. (1999), Competence development and technology: how learning and technology can be meaningfully integrated, *Technovation*, Vol. 19 No. 13, pp. 44-631.
- * Fjodorowa O. (2013), A Proposal to Increase Auditor Independence in Fact and in Appearance, <http://www.academia.edu>.
- * Ford, C. O., Pasewark, W. R. (2015), The Effects of the Need for Cognition in Audit Sampling, In *Advances in Accounting Behavioral Research*. Published online: 29-52.
- * Fuller, L. R., Kaplan, S. E., (2004), A Note about the Effect of Auditor Cognitive Style on Task Performance, *Behavioral Research in Accounting*. V16, PP: 131-143.
- * Ho, J. L., & Rodgers, W. (1993), A review of accounting research on cognitive characteristics, *Journal of Accounting Literature*, 12, 101.
- * Hunt, R. G., F. J. Krzystofiak, J. R. Meindle, and A. M. Yousry. (1989), Cognitive Style and Decision making, *Organizational Behavior and Human Decision Processes* 44: 436-453.
- * Kim M. (2009), *The Relationship between Thinking Style Differences and Career Choice for High-Achieving High School Students*, A Dissertation Presented to The Faculty of the School of Education. The College of William and Mary in Virginia.
- * Klaczynski, P. A., & Robinson, B. (2000), Personal theories, intellectual ability, and epistemological beliefs: Adult age differences in everyday reasoning biases, *Psychology and Aging*, 15, 400-416.
- * Kogan, N. (1973), Creativity and cognitive styles: A life-span perspective. In P. B. Baltes & K. W. Schaie (Eds.), *Life-span developmental psychology: Personality and socialization*. New York, NY: Academic Press.

Auditor Objectivity? Behavioral Research in Accounting 29:1, 103-118.

- * Taylor, R. N. (1984), Behavioral decision making. Glenview, IL: Scott, Foresman.
- * Zhang, L. F. (2001), Do thinking styles contribute to academic achievement beyond self-rated abilities. The journal of Psychology, 135(6), 621-637.
- * Zhang LF. & Sternberg, R. J. (2006), The nature of intellectual styles. London: Lawrence Erlbaum Associates.
- * Zhang, L. F. (2008), Teachers' Styles of Thinking: An Exploratory Study, The Journal of Psychology, 142(1), 37-55

یادداشت‌ها

-
- ¹Sternberg
 - ²Svanberg
 - ³Ohman
 - ⁴McChee
 - ⁵Balkir
 - ⁶Clayton
 - ⁷Kimbrell
 - ⁸Zhang
 - ⁹Thinking Styles
 - ¹⁰Cognitive Styles
 - ¹¹Baron
 - ¹²Ford
 - ¹³Pasewark
 - ¹⁴Petty
 - ¹⁵Cacioppo
 - ¹⁶Chenhall
 - ¹⁷Morris
 - ¹⁸Kogan
 - ¹⁹Ho
 - ²⁰Rodgers
 - ²¹Chan
 - ²²Rodgers
 - ²³Housel
 - ²⁴Ott
 - ²⁵Hunt
 - ²⁶Fuller
 - ²⁷Kaplan
 - ²⁸Kim
 - ²⁹Fjodorowa
 - ³⁰Curtis
 - ³¹Taylor
 - ³²Kotteman
 - ³³Remus
 - ³⁴Drejer
 - ³⁵Riis
 - ³⁶Klaczynski
 - ³⁷Brinol
 - ³⁸Tormala
 - ³⁹Wegener
 - ⁴⁰Rucker
 - ⁴¹Desteno
 - ⁴²Braverman